

صنایع دستی کهن ایران

پروانه فخام‌زاده (پژوهشگر گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

صنایع دستی کهن ایران، هانس ای. وولف، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ۴۰۷ صفحه.

نویسنده کتاب، هانس وولف^۱ آلمانی، سالیان دراز در خدمت هنرها و صنایع سنتی ایران ایران در این سرزمین به سر برد و از پایه‌گذاران مؤسسات آموزشی مختلف، از جمله هنرستان صنعتی شیراز بود. این کتاب حاصل سال‌ها سفر و پژوهش اوست که در آن کوشیده تا واژه‌های اصیل هر صنعت و حرفه را در ایران ثبت کند. وولف روند و شیوه و ابزار هر حرفه را به یاری تصویرهای فراوان به شفافیت توصیف کرده است. کتاب شامل ده بخش است. پنج بخش به معرفی صنایع و حرفه‌های گوناگون اختصاص دارد و پنج بخش دیگر افزوده‌های کتاب را تشکیل می‌دهد. پنج بخش اصلی

1) Hans E. Wulff

شامل «صنایع فلزی»، «صنایع چوب‌سازی»، «صنایع ساختمانی و سرامیک‌سازی»، «صنایع نساجی و چرم‌سازی» و «کشاورزی و تهیه غذا و خواربار» است. «راهنمای کتاب‌های مربوطه»، «دورنمای کنونی»، «کتاب‌شناسی»، «واژه‌نامه» (فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی)، و «فهرست راهنما» (نمایه) در بخش‌های بعدی کتاب گنجانده شده‌اند. در بخش «راهنمای کتاب‌های مربوطه» (ص ۲۷۵ تا ۲۸۸)، نویسنده به تقسیم‌بندی موضوعی مهم‌ترین منابع استفاده‌شده در کتاب پرداخته است تا خواننده به راحتی به منابع مربوط به زمینه حرفه‌ای خود دست یابد. پژوهش‌های ایران‌شناختی فراوانی در این قسمت معرفی شده‌اند که در آنها به تاریخ و جغرافیای ایران، باستان‌شناسی و دوره‌های پیش از تاریخ خاورمیانه و روابط ایران با یونان و روم و تازیان و چینی‌ها و اروپاییان پرداخته شده است. نوشته‌های مورخان و جهانگردان و هیئت‌های اعزامی اروپایی و منابع مربوط به صنایع انفرادی و فلزشناسی و صنایع سفالی و صنعت پارچه‌بافی و کشاورزی نیز معرفی شده است.

نویسنده، در بسیاری از موارد، برای نمایش دقیق کارکرد ابزارهای صنعتی، از آنها طرح‌های دستی ارائه کرده است، جزئیات هر وسیله را به دقت ترسیم کرده و نام اجزا را نیز بر روی طرح‌ها نوشته است.

در سراسر کتاب، در متن و نیز در تصاویر، نام‌های فراوانی ثبت شده است؛ نام‌هایی که ابزارها و جزئیات آنها را مشخص می‌کنند یا به فرایند و شیوه کار آنها دلالت دارند. شمول کتاب بر این نام‌ها به غنای آن افزوده است. بسیاری از این نام‌ها در فاصله زمانی کوتاه بین پژوهش تا انتشار ترجمه فارسی کتاب به فراموشی سپرده شده‌اند. نام‌هایی نیز با پیشرفت صنعت مربوط گسترش معنایی یافته‌اند. این واژه‌ها گنجینه‌ای ارزشمند در کار واژه‌سازی‌اند، به‌ویژه که هر واژه شرحی کامل از چگونگی و چرایی کاربرد خود را نیز به همراه دارد.

بخش اول و دوم این نوشته، به واژه‌های صنایع فلزی و صنایع چوب اختصاص دارد. در بخش سوم به صنایع ساختمانی و سرامیک‌سازی پرداخته شده است. بخش

چهارم دربرگیرنده برخی از واژه‌های صنایع نساجی و چرم‌سازی است؛ و بخش پنجم به صنایع غذایی اختصاص دارد. در همه این بخش‌ها تعدادی از واژه‌های این صنایع آورده شده‌اند. معادل لاتینی همه واژه‌های تخصصی و نیز معادل‌های فارسی آنها در واژه‌نامه کتاب ثبت شده است. در انتهای این نوشته، برخی نمونه‌های ریشه‌شناختی موجود در کتاب آورده شده و به بعضی از اشکالات کتاب اشاره شده است.

بخش اول کتاب با معرفی صنایع فلزی آغاز می‌شود. مؤلف، پس از مباحث تاریخی فلزکاری در ایران و نیز چگونگی استخراج و گداز فلزات، به ریخته‌گری مفرغ و آهن پرداخته و در ادامه، با مطرح کردن صنایع گوناگون، به برخی از واژه‌های مربوط به آن صنعت اشاره کرده است؛ برای نمونه:

hardenable steel	آهن نرینه (صابورقانی، آهنی که می‌توان آن را آب داد) (ص ۶)
mild steel	آهن مادینه (مرمهانی، مرم‌آهن، آهن ورزیده) (همان)
gutter, spout, runner of mold, feeder channel	ناودان (راهگاه، لوله‌های آشغال‌گیر) (ص ۱۶)
flue, chimney	گرازگاه (دودکش) (همان)
to bow, to stretch, to tease fibers	واچیدن (تخت کردن) (ص ۱۹)
annealed	دست‌افشار (تاب‌دیده) (همان)

در ادامه این بخش به مسگری، سفیدگری، جواهرسازی، کاردسازی، قیچی‌سازی، قفل‌سازی، شبکه‌کاری پولاد و موارد دیگر پرداخته شده است.

بخش دوم به صنایع چوب اختصاص دارد. در این بخش، پس از معرفی انواع الوار ایرانی به صنایعی همچون درودگری، درسازی، فرنگی‌سازی، گاری‌سازی، خراطی، خاتم‌کاری، کنده‌کاری، دم‌سازی و انواع ابزارها و شیوه‌های کار آنها می‌پردازد. در اینجا نیز واژه‌هایی مانند واژه‌های زیر ثبت شده‌اند:

carpenter's hammer	چکش مطبقه (مطوکه) (ص ۷۳)
lathe bed	تیرپا (بستر چرخ، روانکش) (ص ۷۹)
carpenter's clamp, gluing press, tightener on spinning head,	تنگ (منگنه) (ص ۸۴)
narrow slot along press pit, wooden links on water wheel,	

wrap-tightening wedge, ..., grape press

بخش سوم مربوط به صنایع ساختمانی و سرامیک‌سازی است. در این بخش شیوه‌های ساختمان‌سازی در ایران در طی اعصار و قرون توصیف شده است و چرایی و چگونگی ساخت انواع سایه‌بان‌ها، کاخ‌ها، خانه‌های روستایی، سرستون‌ها، گنبد‌ها، بادگیرها، سردابه‌ها، و نیز شیوه‌های خشت‌زنی، چینه‌سازی، عایق‌بندی و جز اینها بررسی شده‌اند. انواع کاشی‌کاری، آجرکاری، آجرتراشی و کاشی‌تراشی، آهک‌پزی، گچ‌پزی، سنگ‌شکنی، حجاری، ساختن دیگ‌های سنگی، نازک‌کاری، کوزه‌گری، سفالینه‌سازی، لعاب‌کاری، شیشه‌سازی و انواع کوره‌ها مطالب دیگر این بخش‌اند. به شیوه معمول کتاب، در ضمن معرفی این صنایع، تاریخچه و شرح نکات مهم مربوط به هر صنعت نیز در لابه‌لای مطالب بیان شده است. در زیر به برخی واژه‌های به‌کاررفته در این قسمت اشاره می‌شود:

quartz, rock crystal	شکرسنگ (گرد کوارتز، حصات، بلور) (ص ۱۳۵)
drain pipe	تنبوشه (ص ۱۳۷)
earthenware jar	کلوک (همان)
chimney	موری (دودکش) (همان)
irrigation pipe	موری شغالرو (همان)
frit kiln	بریز (کوره مخصوص آبیگینه) (ص ۱۴۱ و ۱۴۵)
kiln, furnace	شاخور (ص ۱۴۱)، شاخوره (ص ۳۷۰)
kiln, furnace, oven	فورن (ص ۱۴۱)
gangue, potter's kiln	داش، داشت (همان)
kiln	دم‌داشت (همان)
manganese oxide	مغنیسا (اکسید منگنز) (ص ۱۴۵)
red lead, lead oxide	شنگرف زاولی (اکسید سرب) (همان)
copper shaving	رندش (تفاله مس) (ص ۱۴۶)
lump of cobalt oxide	قمچه (گوله، قمچه لاجورد) (ص ۱۴۷)

در **بخش چهارم**، صنایع نساجی و چرم‌سازی و توسعه و انتشار شیوه‌های نساجی به عنوان نشانه پیشرفت فن و هنر و عقاید اقتصادی و سیاسی و معنوی جامعه معرفی شده

است؛ همچنین تاریخچه این صنعت شرح داده شده و انواع پارچه‌ها، الیاف، رنگرزی، انواع رنگ‌های طبیعی، بافندگی، دستگاه‌های بافندگی، قالی‌بافی، چاپ پارچه، صحافی، و صنایع کوچک‌تر مربوط به این شاخه از صنعت معرفی شده است. برخی از واژه‌هایی که در این بخش می‌توان به آنها اشاره کرد عبارت‌اند از:

heddle rod, heddle rod cord	گورد (میله بافت) (ص ۱۵۶)
draw boy	گوشواره‌کش (ص ۱۵۷)
gold thread, braids, embroidery, gold lace	گلابتون (ص ۱۵۸)
wrapping frame	چله‌تون (ص ۱۶۵)
wrap dressing	شومال (ماده چسبی) (همان)
wrap, tent fabric	تون (همان)
spindle	دوک‌جَلک (ص ۱۶۶)
spool holder	دوک‌خانه (همان)
wrap winder	چله‌دوان (همان)
loom, pit in front of furnace	پاچال (چاله‌ای برای پا) (ص ۱۸۳)
breast beam	کاغذک (قازک، شکاف نورد تار) (همان)
pincushion, bearing of rolling mill	بالشتک (قاز، گویچک) (همان)
beater comb, loom batten	دفتین (همان)
loom pulley (harness-balancing pulley)	عروسک (تخته‌ای‌ساز) (همان)
heddle-balancing lever	شاتیرک (اهرم‌های تعادل) (همان)
jibbet lever, plow column, rod heddle	شمشیرک (شمشه) (همان)
leg of wire-drawing bench, foot of chest, harness treadle	رکاب (پوشال، پا) (همان)
weaving shed, threshing wain	چَر (ردیف، چارک‌کار) (همان)
bar holding harness strings	قَلْبُک (قلمبک، میله چوب‌دستور) (ص ۱۸۸)

در بخش پنجم، «صنایع غذایی ایران»، ابتدا شرایط اقلیمی ایران توصیف شده و، در ادامه، محصولات کشاورزی معرفی و تاریخچه کشت یا ورود آنها به ایران بررسی شده است؛ همچنین روش‌های کشاورزی و شخم‌زدن و انواع آبیاری و بندآب‌ها (سدها)

توصیف شده و تصویر چند بندآب در کتاب آمده است. تصویری طراحی شده از مقطع یک قنات با درج نام قسمت‌های مختلف آن (ص ۲۲۵) این بخش را کامل می‌کند. به‌علاوه، به شیوه‌های ساخت قنات‌ها نیز اشاره شده است. در این بخش نیز واژه‌های بی‌شماری از این صنایع ثبت شده‌اند:

کنگورت (کونگورت، بغل‌بر) (ص ۲۲۸)	diversion tunnel (in underground water channel)
غرقاب (فشار آب ناگهانی) (همان)	ingress of water (in subterranean channel)
قنات‌نخ (شاخه) (ص ۲۲۹)	branch channel
جوغان (جین، خوجنگ، هویانگ، هالست، بلک، میخ یوغ، زالا، شاله، جوغ‌لا،	
چوغ سیم‌یو، شل‌چوب) (ص ۲۳۵)	neck peg of plow yoke
همه‌کش (سمر، کلک، ترکه، پرنگ) (همان)	yoke peg
سیمک (بند سه‌میان، سروب، طناب سیم‌بند) (ص ۲۳۶)	yoke band, neck band on yoke
چوب خیش (راسته‌دار) (همان)	plow beam
کنده (چوب‌میاد، رجز، پدرسل) (همان)	plow sole
شونک (مشته، توتاخ) (همان)	plow handle

معرفی منابع در دو بخش تنظیم شده است: (۱) «راهنمای کتاب‌های مربوطه»، که در آن، توضیحاتی درباره کتاب‌هایی که در هر بخش مورد استفاده قرار گرفته‌اند داده شده و خود به بخش‌های مختلفی تقسیم شده است، از جمله کتاب‌شناسی درباره ایران، تاریخ و جغرافیای ایران، باستان‌شناسی، منابع ایرانی و تازی، کتاب‌هایی که مورخان و جهانگردان و سفیران و هیئت‌های اعزامی اروپایی درباره ایران نوشته‌اند، روابط با چین و هند، صنایع انفرادی، فلزشناسی و صنایع فلزی، صنایع سفالی و معماری، صنعت پارچه‌بافی، کشاورزی و تهیه خواربار؛ (۲) «کتاب‌شناسی»، که شامل اطلاعات کتاب‌شناختی تمامی منابعی است که در کتاب از آنها نام برده شده است.

در هنگام اشاره به منابع کهن، شرح مختصری نیز درباره هر منبع آمده است. برای

نمونه، در صفحه ۲۱۴، درباره هنر صحافی نوشته شده است:

... درباره هنر صحافی خوشبختانه سه نوشته مفصل و مشروح در اختیار ما هست. کهن‌ترین این نوشته‌ها از ابن بادیس (۱۰۳۱ تا ۱۱۰۸ میلادی) است که خود از پیشه صحافی اطلاع کافی و تجربه وافی داشت. دومین نوشته از قلقشندی است که در سال ۱۴۱۸ بدرود زندگی گفت. وی شرح مبسوطی درباره صحافی و موادی که در آن به کار می‌رفته نگاشته است. کامل‌ترین این نوشته‌ها کتابی است که سفیانی در حدود سال ۱۶۱۹ نوشته است...

در بخش‌های مختلف، اطلاعات ریشه‌شناختی مربوط و مفیدی در مورد برخی واژه‌ها در اختیار خواننده قرار می‌گیرد. به چند نمونه از ریشه‌شناسی‌های مطرح‌شده، در زیر اشاره می‌شود:

... رنگ 'کرم قرمز' در حدود سال ۱۱۰۰ پیش از میلاد به آشور و سپس از آنجا به یونان، روم و در دوره کلاسیک به اسپانیا رسید. واژه کرموکوکوس از واژه ایرانی 'کرم' گرفته شده و واژه‌های کارمین [کارمن] و کریمسون، که در انگلیسی به معنای «قرمز لاک‌ی» است، از همین واژه آمده است. واژه کهن‌تر ایرانی آن سکیرلات (sakirlat) است که در زبان لاتین به اسکارلاتوم (scarlatum) و به انگلیسی scarlet (سرخ) تبدیل شده است (ص ۱۷۰).

واژه کرباس برای پارچه پنبه‌ای از واژه سانسکریت کارپاسا گرفته شده که به یونانی کرباسوس و به لاتین کرباسوس می‌گویند (ص ۱۶۰).

واژه کاتین (cotton) اروپایی از واژه تازی قطن است که از واژه کهن بابلی کیتینو گرفته شده که معنای آن «کتان» بوده است (همان).

واژه امروزی ایرانی 'پنبه' از پنیک پارتی گرفته شده که به یونانی آن را پمپاکس و در لاتین آن را بامباسیوم می‌گفتند (همان).

پارت‌ها بر روی پوست می‌نوشتند و واژه یونانی دیپتیرا را برای آن به کار می‌بردند، یعنی همان واژه‌ای که در ایران دفتر نامیده می‌شود (ص ۲۱۳).

در این کتاب، به بعضی صنعت‌ها و حرفه‌ها اشاره نشده، زیرا نویسندگان معتقد بوده است که آنها یا در کتاب‌های دیگر، مانند کتاب‌های تاریخ هنر، به تفصیل تشریح شده‌اند یا مدت‌هاست که دیگر در ایران وجود ندارند؛ برای نمونه، در مورد کاغذسازی نوشته است:

اگرچه ایران در انتقال صنعت کاغذسازی از چین به باختر نقش مهمی داشته، بیش از یک‌صد سال است که هیچ کاغذی در ایران ساخته نشده است (ص ۲۱۳).

نویسنده در بسیاری از موارد به منطقه کاربرد واژه‌ها در زبان گویشوران محلی اشاره کرده است؛ برای نمونه، اسکنه (زابل)، اشکینه (شیراز)، تیر وصول (اردستان)، تیر خیش (اصفهان)، چمبر (فارس)، چوغان (خراسان)، دسته شونگ (البرز)، دسته چرخ (اردستان). گاه چندین معادل فارسی برای یک اصطلاح بیگانه ارائه شده است و گاهی نیز برعکس:

kiln	تنور، تنوره، دم‌داشت، فورن، کوره، شاخوره، شاخور
oil mill	بذرخانه، عصارخانه، عصارى، روغنکده آزال (کلاردشت)، آزل (قزوین)، گاجمه (گیلان)، گاواهن (شیراز)،
plow	اوج (تبریز)، رُخ، رُخت، رُخت جوغ (خراسان)، رُخت جیکو (زابل)
ornamental brickwork	هزاره، هزارباف، هزاره‌بافی، پَرچه
sickle	داس، داره، دارا (ورامین)، دست قلا (گیلان)، اورخ (تبریز)
pan, dish stone	تاوه
clamping wedge, strap to hold scales, lump of clay, pestle, iron mallet, cotton dressing mallet, draw strings, plow stilt, plow handle, bookbinder's mallet, scoop handle ^۱	مُشته

ثبت برخی نام‌ها در متن و واژه‌نامه یکدست نیست:

در واژه‌نامه	در متن
گرازگا	گرازگاه (ص ۱۶)
مغن، مغنیا	مغنیسا (ص ۱۴۵)
قلمبک	قَلْبَبِک (ص ۱۸۴)
سوفیانی	سفیانی (ص ۲۱۴)
کونگورت	کنگورت (ص ۲۲۸)
یوغان	جوغان (ص ۲۳۵)
راست‌دار	راسته‌دار (ص ۲۳۶)

(۱) گاه این معادل‌ها هر یک به صنعت یا هنر متفاوتی مربوط هستند.

در این کتاب اطلاعات بسیار مفیدی از پیشینه، ساخت و کارکرد هر صنعت ارائه شده است. همچنین واژه‌های اصیل بسیاری را در خود حفظ کرده است؛ واژه‌هایی که معادل بیگانه آنها نیز در واژه‌نامه ثبت شده است. استفاده از این کتاب به واژه‌گزینان پیشنهاد می‌شود.

